

ساختار جمله در بانو گشسب‌نامه

آناهیتا امینی، دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

Sarab_ab48000@yahoo.com

چکیده

این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی آماری به مقوله «ساختار جمله» و انواع الگوهای آن مطابق با کتاب «تحول زبان فارسی» فرشیدورد بپردازد. علاوه بر محاسبه آمار انواع الگوهای شاخص در این منظومه و جمله‌های مرکب، جمله‌های مستقیم و غیرمستقیم را نیز تحلیل نماید. عناصر گسترده و ارکانی را که تقدیم و تاخیر آنها بسامد بسیار دارد یا دارای اهمیت است روی نمودار نمایش دهد. دستور انوری و گیوی برای بررسی جمله‌های مستقیم و غیرمستقیم مورد نظر است. این پژوهش با استخراج برخی از ویژگی‌های نحوی و زبانی این منظومه ضمن در نظر گرفتن حماسی بودن آن الگو یا الگوی مناسبی را در ساخت جمله به منظور انتقال سریع و ساده مفاهیم معرفی می‌نماید.

واژگان کلیدی: ساختار جمله، بانو گشسب‌نامه، تحول زبان فارسی

مقدمه

زبان یکی از مهمترین مولفه‌های ایجاد ارتباط، حفظ فرهنگ و سنت هر ملتی است که در بستر زمان متاثر از زمینه‌های اجتماعی، تاریخی، علمی در حال تغییر و دگرگونی است؛ از هر آبخوری دریافتی دارد و با از دست دادن بخشی از داشته‌ها، به شیوه نوی شکل می‌گیرد. برای انتقال مفاهیم و اندیشه‌ها به ابزاری فاقد پیچیدگی و سهل و ممتنع نیاز است. در نظم و نثر این انتظار متناسب با موضوع، مضمون و مخاطب متفاوت است. اشراف بر قواعد درست نوشتن و درست بیان کردن می‌تواند مهارت زبانی را تقویت نماید. جمله بزرگترین واحد زبانی است که در بیان و انتقال مفاهیم نقش اصلی را ایفا می‌کند. آشنایی با ساختار، اجزا و انواع آن برای هر آفرینشگری ضروری است.

منظومه بانو گشسب‌نامه، منظومه‌ای حماسی است، متعلق به سده‌ی ۵ و ۶ قمری و سراینده آن ناشناخته است و ویژگی‌های زبانی و دستوری متون حماسی این دوره را داراست که سادگی جمله‌های آن قابل تحلیل و بررسی است.

بیان مسئله

گرچه بدون آموختن دستور زبان، می‌توان سخن گفت، بدیهی است که آموزش قواعد حاکم بر هر زبانی به تثبیت آن و پرهیز از خطا و لغزش در نوشتار و گفتار می‌انجامد. امروزه جملات کوتاه، ساده و زودیاب کاربرد بیشتری دارد. فراوانی جمله‌های ساده در منظومه بانو گشسب‌نامه سبب آن است که با کاویدن جمله‌ها پاسخ سوال ذیل معلوم گردد.

- آیا می‌توان الگو یا الگوهایی را استخراج کرد که مطابق با انتظار زبان امروزی مفاهیم را کامل و سریع انتقال دهد؟

پیشینه پژوهش

ساختار جمله، انواع و اجزا آن به عنوان بزرگترین واحد زبانی قابل بررسی است. با وجود تعدد نظرات دستورنویسان و متون ادبی زمینه بسیاری برای پژوهش آن فراهم است. مقالات متعددی در این زمینه یافت شد که عنوان برخی از آنها یاد می‌شود.

- صیاد کوه (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل ساختار جمله در بوستان سعدی» به بررسی الگوی جملات مطابق با کتاب «تحول جمله در زمان فارسی» فرشیدورد پرداخته و پربسامدترین آنها را در نمودار نشان داده تا با استخراج الگوهای مناسب پای بودن شیخ اجل سعدی را به بافت صحیح و مستقیم بودن جمله‌ها معلوم دارد. داود مدنی (فصلنامه اندیشه سال دوم) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار اطلاعاتی جمله در زبان فارسی به لحاظ کلامی و کاربرد شناختی» به این یافته دست می‌یابد که اگرچه اصول نحوی و کلامی به دو حوزه مستقل نحو و کلام متعلق‌اند اما بین ارکان و عناصر این دو حوزه با یکدیگر هم بستگی زیادی وجود دارد.

- سیف (۱۳۹۰) در مقاله «ساختارهای شکلی بانو گشسب‌نامه» به ساخت قصه بانو گشسب‌نامه بر مبنای نظریه پراپ می‌پردازد نگارنده برای اشراف هرچه بیشتر به این منظومه و ساختار جمله از این مقالات بهره برده است و آن را از منظر ساختار جمله، سادگی و حماسی بودن می‌کاود.

شیوه پژوهش

برای به انجام رساندن این پژوهش و دستیابی به نتایج قابل اعتمادتر تمامی ابیات منظومه بانو گشسب‌نامه (۱۰۳۱ بیت) مورد نظر است تا جامعه آماری دقیقی شکل گیرد. تطبیق الگوی جمله‌ها با الگوی آن در کتاب «جمله و تحول آن در زبان فارسی» فرشیدورد انجام گرفت؛ سپس با در نظر گرفتن متن جمله‌های مرکب، بسامد جمله‌های مستقیم و غیرمستقیم بر مبنای تعریف انوری و گیوی بررسی شد.

الگوی جمله‌ها در زبان فارسی و بانو گشسب‌نامه

در هر زبان انتقال اندیشه‌ها به شکل گفتار و در قالب زبان صورت می‌گیرد. جمله بزرگترین واحد زبان است که ساختمان آن مورد نظر است.

«ساختمان یک واحد یعنی این واحد از چند واحد کوچکتر از خود ساخته شده است.» (باطنی، ۱۳۷۰: ۴۵) در کاربرد مواد اولیه زبان، یعنی واژگان، برای هر یک از ارکان جمله از قواعد نحوی خاصی پیروی می‌شود. بدین ترتیب با هم‌نشینی واژگان در جایگاه نحوی، کلام شکل می‌گیرد. از سبک و عوامل بلاغی و زبانی در چینش واژگان تاثیر دارد؛ از جمله تقدیم و تاخیر ارکان اجتناب‌ناپذیر است. عناصر گسترده مانند: وابسته‌ها همسان‌ها، قید، متمم، صفت، عدد و شاخص متاثر از سبک جایگاه نسبتاً ویژه‌ای دارند.

فرشیدورد برای جمله‌های بسیط فارسی ۲۱ الگوی ساختمانی قائل است. با بررسی تمامی ابیات این منظومه چهار الگوی ساختمانی برای جمله وجود داشت که بدون در نظر گرفتن عناصر گسترده با شمارش آنها، بسامد هر یک قابل تحلیل است.

الگوی ۱- جمله دو جزئی «مسندالیه + فعل تام لازم

بانو گشسب‌نامه ویژگی زبانی حماسه‌های قرن پنجم و ششم را داراست. سادگی و روانی از جمله ویژگی‌های آن است. جملات دو جزئی با فعل تام لازم از ساده‌ترین الگوهای ساختمانی جمله است. «فعل لازم، فعلی است که به مفعول نیاز نداشته باشد و نشانه‌اش آن است که در جواب «که را» و «چه را» با «چه کسی» و یا «چه چیزی» نمی‌آید و امروزه همراه با حرف اضافه «را» نیست؛ مانند: من رفتم.» (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۳۶۰)

بسیاری از ابیات در شیوه نقل و قول، با حذف مسندالیه با فعل آغاز می‌شود و اغلب افعالی به کار می‌روند که متناسب با اولین رکن عروضی (فعولن) هستند.

ببوسید فرزند را چشم و روی وزو باز پرسید از احوال شوی
(بانو گشسب‌نامه، ۱۰۱۶)^۱
بگویم سخن‌ها به آواز بزم بسازم دل ماه از مهر گرم
(۱۰۰۹)

نوشتندهریک خطس پیش زال نمودند بر زال وز عجز حال
(۶۸۵)

برای تاکید مسند الیه گاهی ضمیر در آغاز بیت به کار می‌رود و گاهی اسم خاص در آغاز قرار می‌گیرد.
تو گفתי که شمشیر او برق بود که از فراق کردش به دو نیم زود
(۶۴۰)

تمرتاش گفت که فردا پگاه سراپرده بیرون کشم با سپاه
(۳۱)

تهمتن بیامد به نزدکیشان که بیند دل و رای باریکشان
این الگو از ابهام و تعقید دور است و یکی از پربسامدترین الگوها در منظومه بانو گشسب‌نامه می‌باشد. کوتاه بودن جمله‌ها فرصت را برای تعدد جملات در یک بیت فراهم می‌سازد و یا با به کار بردن عناصر گسترده، جزئیات داستان را به تصویر می‌کشد.

تعداد ۵۸۹ جمله مطابق با الگوی «مسندالیه+ فعل» هستند و به غیر از ۱۰۳ جمله که فاقد متمم است بقیه جمله‌ها متمم دارند که بطور کلی ۵۷/۱۸ درصد از جامعه آماری موردنظر مطابق الگوی یادشده است.

جمله سه جزئی با مفعول رائی

یکی از پربسامدترین الگوهای این منظومه است به نظر می‌رسد این الگو در دوره‌های مختلف، پربسامد بوده است؛ همچنان که امروزه هم این غالب نحوی به نسبت دیگر قالب‌ها بیش‌تر است»
مفعول رائی میان دو جزء فعل مرکب (بخش صرفی و بخش غیر صرفی) به کار رفته است.
همانا که تا چرخ گردنده هست نداده کسی را چنین کار دست
(۵۳۵)

چو کشتیش من گشتم از غم جدا کنم جان خود را به پیشت فدا
(۴۱)

فراوانی مفعول رائی بعلت استفاده از افعال متعدی مانند: گفتن، پرسیدن، بوسیدن، افروختن، فروبستن، دیدن، فکندن، یازیدن، کشیدن، شنیدن، دادن، بردن، کشیدن، گشودن و ... زیاد است.

۷۲۴ جمله با این الگو تطبیق دارد که ۷۰/۲۹ درصد جامعه آماری است. بخش‌های آغازین که به معرفی شخصیت‌ها می‌پردازد کمترین تعداد این گونه از جمله‌ها را دارا است.

الگوی ۳- جملات سه جزئی با الگوی «مسندالیه+ مسند+ فعل ربطی»

در این منظومه فعل جمله‌های سه جزئی که با مسند کامل می‌شوند اغلب فعل ربطی است تعداد بسیار اندکی از آنها فعل ناقص دارند.

این الگو برای بیان حالت (شادی، غم)، معرفی ویژگی شخصیت‌ها و ساده روایت کردن داستان به کار می‌رود که متأثر از ویژگی‌های زبانی سبک زمان سرایش این منظومه است. تعداد ۳۷۲ جمله دارای این الگو است. این الگو در کل منظومه به تناسب مضمون پراکنده است و به نظر می‌رسد که در بخش آغازین و برای بیان مسائل کلی، توصیف پهلوانان هنگام جنگ و به تصویر کشیدن بانو گشسب هنگام شیفته شدن پهلوانان بر او کاربرد بیشتری دارد.

به خردی دلارای پرکار بود نشان مهی زو پدیدار بود
(۴)

فرامرز جنگی تر از رستم است نه نیروی او از تهمتن کم است
(۶۰۹)

میانشان صد و شصت طعن سنان نبود و نیامد یکی را زیان
(۱۹۳)

سپر خرد گشت و شد دست خم ولیکن خرد شد به دریای غم
(۱۹۸)

لب لعل او درج یاقوت بود که از گوهر آن درج را قوت بود
(۴۹۱)

دل آشوب و دل‌بند آفاق بود به خوبی چو ابروی خود طلاق بود
(۴۹۴)

ابا او سه گرد سرفراز بود که بودند با جوشن و ترگ و خود
(۶۲۶)

پس از بررسی ابیات معلوم گشت ۳۸۰ جمله با الگوی یاد شده تطبیق دارد که ۳۶/۸۹ درصد از کل جمله‌های این منظومه است.

الگوی ۴- جمله‌های چهار جزئی با الگوی (مسندالیه + مفعول + مسند + فعل)

شاعر می‌تواند با به کارگیری عناصر گسترده به جزئیات پردازد اما در جمله‌های چهار جزئی و با استفاده از همه ارکان اصلی، جمله کامل‌تر و استوارتر می‌گردد.

(نمود این سخن شان به دل جایگیر که پنداشتند این سخن خیرخیر
(۹۶))

بیاورد نزدیک رستم چو باد تهمتن، فرامرز نامش نهاد
(۲)

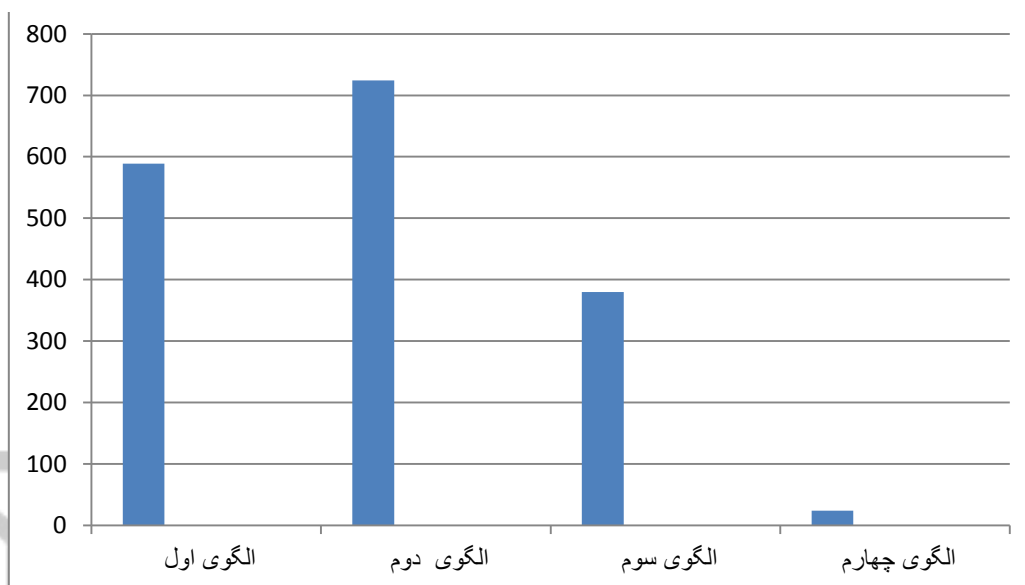
فرامرز چون خصم را چیره دید جهان بر جهان بین خود تیره دید
(۳۲۲)

در برخی از جملات با وجود داشتن مفعول معنای جمله کامل نیست لذا علاوه بر مفعول نیاز به مسند یا مفعول دوم دارند.

این قالب کم بسامدترین در منظومه بانو گشسب‌نامه است. در بررسی و تطبیق جمله‌ها با این الگو ۲۴ جمله شمارش شد. هر یک از افعال پنداشتن، شمردن، نامیدن و گردانیدن، دانستن، خواندن و ساختن اغلب در معنای اصلی خود به کار رفته‌اند. این امر نیز سبب سادگی منظومه است.

بسامد جمله‌واره‌ها (جملات مرکب وابستگی)

حروف ربط و گروه‌های ربطی وابستگی، جمله‌واره‌ای را در حکم اسم یا صفت با قید برای جمله‌واره دیگر می‌سازند حروفی که جمله‌واره اسمی می‌سازند غالباً به معنی اسم مصدر یا مصدر است که می‌تواند نقش‌های اصلی متعددی داشته باشد مانند از، که، تا، کی، (در متون کهن) و اگر حروف ربطی که جمله‌واره‌ها وصفی می‌سازند به «موصول» معروفند جمله‌واره را صفت می‌سازند مانند که و کجا در متون کهن». (رک فرشیدورد ۱۳۷۵: ۲۸۹-۲۸۳) حاصل بررسی ۲۰۴ جمله مرکب است. که تعداد (۱۲۸) جمله‌وار تاویل به مصدر می‌شود و (۷۶) جمله‌واره تاویل به صفت می‌شود. فراکرد پایه از الگوی «مسندالیه+ فعل» پیروی می‌کند.



نمودار شماره ۱ - فراوانی الگوی جمله‌ها در بانو گشسب‌نامه

جمله‌واره‌های مستقیم و غیر مستقیم:

قرار گرفتن اجزای کلام با نظم طبیعی به سادگی و فهم آن کمک می‌کند، ویژگی‌های زبانی، بلاغی و همچنین قوانین عروض در شعر باعث جابه‌جایی ارکان جمله است. در متون حماسی قرن ۵ و اوایل ۶ که از ویژگی‌های آن سادگی و روانی کلام است، نظم در شیوه قرار گرفتن اجزاء جمله حاکم است و با وجود متمم‌ها و حرف اضافه‌های متعدد، متمم عامل اصلی جابه‌جایی ارکان است؛ اما با توجه به بسامد بالای الگوی (مسندالیه+ مفعول+ فعل) که یکی از ساده‌ترین اشکال است این جابه‌جایی‌ها سبب تعقید و پیچیدگی نیست.

انوری و گیوی جمله‌ها را از نظر مستقیم و غیر مستقیم بودن چنین تعریف کرده‌اند: «جمله‌ها را از نظر ترتیب اجزا و این که ارکان آن‌ها بر جای خود به کار رفته‌اند یا نه، به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم، تقسیم می‌کند.» جمله مستقیم جمله‌ای است که در آن، اجزای کلام، نظم طبیعی و ترکیب مستقیم خود را داشته باشد؛ به عبارت دیگر مطابق دستوری یعنی دستورمند باشد و جمله غیرمستقیم جمله‌ای است که در آن، اساس نظم طبیعی و آیین ترکیب اجزا و ارکان به هم خورده باشد. (انوری و گیوی، ۱۳۷۸: ۳۰۸)

جمله‌های مستقیم

محل قرار گرفتن ارکان جمله در شیوایی و روانی سخن تاثیر دارد. منظومه بانو گشسب‌نامه منظومه کاملاً حماسی است که دارای جملات ساده و فاقد تعقید لفظی و معنوی است و یکی از عواملی که این ویژگی را شکل می‌دهد،

قرار گرفتن اجزاء، جمله با نظم تعریف شده آن است. قاعده کلی در جمله‌های عادی چنین است: «ابتدا مسندالیه می‌آورند سپس وابسته فعل، بعد فعل را». (فرشید ورد ۱۳۷۸: ۹۲)

با بررسی ترتیب اجزاء جمله و تطبیق آن با این الگو تعداد ۳۳۰ جمله مرتب و بدون جابه‌جایی هست می‌توان گفت ترتیب قرار گرفتن اجزاء جمله گاه بطور قابل توجهی به شیوه نثر نزدیک می‌شود.

ده و شش چو شد با بر و یال بود تنش چون تن رستم زال بود
(۶)

فرامرز جنگی تر از رستم است نه نیروی او از تهمتن کم است
(۹)

تو با او به هر نیک و بد یار باش ز هر خوب و زنشستن نگه دار باش
(۱۰)

فرامرز همراه آن ماه بود که دلخواه آن ماه، آن شاه بود
(۷۰)

فرامرز از آن دور نظاره کرد همی دید آن هر دو یل در نبرد
(۱۹۲)

گاه هر دو مصرع مستقیم هستند و گاه یکی از آنها مستقیم است.

جمله‌های غیرمستقیم:

در حماسه، گفتار شاعر درباره اموری غیرقابل تجربه و در ارتباط با جهان اسطوره‌ای است «در گزارش این چنین جهانی اگر با کمک گرفتن از تشبیه و استعاره استوار شود بی‌گمان فرود آوردن و تنزل آن عالم است. که از این رو براساس عنصر مبالغه بیشتر می‌توان آن را نمایش داد» (شفیعی ۱۳۸۵: ۳۸۶). علاوه بر عنصر مبالغه که به علوم بلاغی مربوط است جابه‌جایی ارکان اصلی جمله و عناصر گسترده، بیان منظومه را در راستای انتقال مفاهیم حماسی یاری می‌دهد. همچنین سراینده بدلیل تاکید، ضرورت شعر و تاثیر از سبک زمان خود ارکان را جابه‌جا می‌کند. شاخص‌ترین آنها که بررسی شد عبارتند از:

- ۱- تقدیم فعل
- ۲- تقدیم متمم
- ۳- تقدیم مسند
- ۴- تقدیم مفعول

تقدیم فعل

منظومه حماسی نوعی روایت داستان است غالباً مسندالیه شناخته شده است بنابراین فعل مقدم می‌شود. در اشعار حماسی فعل بیش از اجزاء دیگر در بیان دلای و پهلوانی‌ها نقش دارد. جابه‌جایی و قرار گرفتن فعل در ابتدای جمله بیان حماسی را تقویت می‌کند تعداد ۵۲۸ جمله یا جمله‌واره با تقدیم فعل آغاز می‌شود.

نبرد عقاب اندرو با درنگ گریزد وز آن شیر و جنگی پلنگ
(۹۴)

یا آوردن فعل در ابتدای جمله یا سایر ارکان نیز جابه‌جا می‌شوند.
بیفتاد از دستشان تیغ جنگ برین بر بند هیچ جای درنگ
(۹۰۵)

ز آسیب نعلش بنالید گاو
زمین زیر بغلش نیاورد تاو
(۸۹۱)

یا ترتیب خود را حفظ می‌کنند.

بغرید کاووس همچون پلنگ
شد آن بزمگه همچو میدان رزم
برآشفت با نامداران جنگ
شه آشفته شد چون چنان دید بزم
(۸۶۹)

تقدیم متمم

جمله گسترده آن است که علاوه بر عناصر اصلی، گسترده هم باشد، عناصر گسترده عبارتند از، وابسته‌ها هم‌سان‌ها، قید، متمم، صفت، عدد و شاخص (فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۸۸) «اجزاء جمله گسترده بسیط درحالت عادی به ترتیب چنین می‌آید:

۱- مسندالیه با قید یا متمم قیدی زمان ۲- قید یا متمم قیدی زمان یا مسندالیه ۳- مفعول رائی ۴- مفعول‌های دیگر
۵- متمم‌های قیدی یا قیود دیگر ۶- فعل (فرشیدورد: ۱۳۷۵: ۹۱)»

در میان مولفه‌های جمله گسترده متمم و متمم قیدی پرکاربردتر است و در متون حماسی این دوره دارای بسامد بالایی است و معمولاً همراه دو حرف اضافه به کار می‌رود. ۸۷۵ جمله دارای متمم است که در جامعه آماری مورد نظر ۸۵ درصد را شامل می‌شود و ۴۹۸ بیت با حرف اضافه و متمم آغاز می‌شود. حروف اضافه «به»، «ز» و «یا» «از»، «در» که همراه با مصوتی بلند می‌آیند در هجای آغازین اولین رکن وزن متقارب قرار می‌گیرد. مثال:

به راه و به خواب و به بزم و شکار
مبادا که تنها بود نامدار
(۱۱)

از اندیشه ابرویش پیش اوی
خیال کج آید کج اندیش اوی
(۲۷)

به نخجیر بودند شادان به هم
زدن دورشان محنت و درد و غم
(۳۹۲)

کاربرد متمم کمک به بیان جزئیات است. در بسیاری از ابیات که دارای فعل مرکب هستند متمم. بین جزء صرفی و غیر صرفی قرار می‌گیرد.

وگره یکروی ز فرقس گذر
ببریدی از فرق او تا کمر
(۳۷۱)

به تخت کی شاد بنشست شاه
همی کرد بر پهلوانان نگاه
(۹۳۴)

بیا تا ببینی که شرب شراب
کند بی گمان خانمان‌ها خراب
(۱۶۰ ۸۷۷)

من این را بکردم ز گردان پسند
تو هم مهربان شو، در کین پسند
(۱۰۲۴)

با آوردن متمم در ابتدای جمله، که بسامد بالایی نیز دارد، یا ترتیب بقیه اجزاء حفظ می‌شود مانند:

به هندوستان صورتش نقش بست
شه خاور از عشق او گشت مست
(۵۵)

یا بیش از یک رکن جا به جا می‌شود. مانند:

به رستم چنین گفت یک روز زال که فرزندها بده گوشمال (۹۸)

در ۷۲ درصد از جمله‌ها ترتیب و اجزاء حفظ می‌شود.

تقدیم مفعول:

متن مورد نظر منظومه‌ای داستانی است. در اغلب ابیات مسند الیه شناخته شده و محذوف است و برای تاکید بر کار و عمل انجام گرفته، مفعول رائی را در ابتدای جمله می‌آورد.

۸۹ جمله با مفعول رائی آغاز می‌شوند برای مثال ابیات (۳۷، ۱۹۰، ۲۶۶، ۱۰۳۰، ۵۸۹، ۱۳۷، ۴۹۸، ۷۹، ۵۳) این تعداد بخش کمی از جامعه آماری است چرا که شاعر برای حماسی تر کردن تقدیم فعل را به تقدیم مفعول ترجیح داده است.

سرانجام هر دو بر آشوفتند بن نیزه را بر زمین کوفتند (۱۹۴)

شما را فروشم توانگر شوم همان صاحب تخت و افسر شوم (۱۳۸)

- در ۶ جمله «را» نشانه مفعولی نیست بلکه «را» فک اضافه است. برای نمونه در ابیات ۴۹۱ و ۱۹۱ و ۶۹۶ فلک را بلندی ز بالای تو سر چرخ را افزای تو (۶۹۶)

به نیزه دریدند از هم زره زره را گشودند از هم گره (۱۹۱)

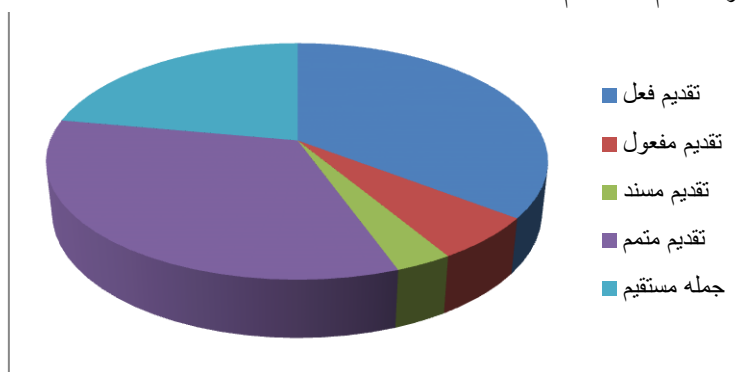
تقدیم مسند:

۴۷ جمله با مسند آغاز می‌شوند و مسند در جای خود قرار ندارد برای مثال ابیات (۸۰، ۱۳۴، ۸۴۸، ۸۸۳، ۸۹۰، ۸۷۳، ۸۷۹، ۸۰۶) این تعداد نیز بخش کمی از جامعه آماری است؛ آن نیز بعلت توجه شاعر به تقدیم فعل و کاربرد متمم و حروف اضافه در ابتدای جمله یا بیت است که در بحر مقارب و شکل گیری مضمون حماسی تاثیرگذار است.

نگارنده خرگه نیلگون برآرنده خیمه بی ستون (۸۰۴)

فروزنده طاق فیروزه فام برآرنده صبح از ایوان شام (۸۰۵)

هر بار که شاعر می‌خواهد بر مسند تاکید کند؛ مسند را به صورت اسم یا صفت فاعلی ابتدای جمله به کار می‌برد. ۳۰ درصد جمله‌های غیرمستقیم با تقدیم مسند است.



نمودار ۲ - بسامد جمله‌های مستقیم و غیرمستقیم

نتیجه:

منظومه حماسی بانو گشسب‌نامه منطبق با ویژگی‌های سبکی دوره سرایش آن دارای جمله‌های ساده و فاقد پیچیدگی است. با در نظر گرفتن کلیه ابیات، براساس الگوی جمله‌ها در دستور فرشیدورد، چهار الگوی ذیل به ترتیب میزان بسامد آنها قابل بررسی است.

۱- جمله سه جزئی با مفعول رائی ۲- جمله دو جزئی (مسندالیه + فعل تام لازم) ۳- جمله سه جزئی (مسندالیه + مسند + فعل ربطی) ۴- جمله چهار جزئی (مسندالیه + مفعول + مسند + فعل)

الگوی نخست یکی از کوتاهترین و ساده‌ترین الگوهاست که در متون ساده دوره‌های گوناگون پربسامد است؛ ۷۰/۲۹ درصد از جمله‌های منظومه را شامل می‌شود. پس از آن جمله‌های دو جزئی (مسندالیه + فعل تام لازم) پربسامدترین الگو است که سبب سادگی متن است. الگوی سوم در بخش آغازین و معرفی پهلوانان و توصیف احوال آنها به کار می‌رود، تعداد ۳۷۲ جمله دارای این الگو است. الگوی چهارم جمله چهار جزئی است که فقط ۲۴ جمله با آن منطبق است. افعال پنداشتن، نامیدن، گردانیدن، دانستن و ... اغلب در معنای اصلی خود به کار می‌رود. در کل جامعه آماری ۲۰۴ جمله مرکب وجود دارد که کمتر از یک چهارم آن را شامل می‌شود؛ این نیز یکی از عوامل سادگی متن است. طبق تعریف دستورانوری و گیوی جملات به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم، تقسیم می‌شوند. میزان جمله‌های مستقیم ۳۴ درصد است. اگر چه مستقیم بودن جمله‌ها و کاربرد ارکان جمله در جایگاه خودشان به سادگی و روانی متن می‌افزاید و درصد آن در این منظومه کم است؛ اما از آنجا که فعل‌های دو مفعولی و ناقص کمتر به کار رفته است، متن دور از تعقید و پیچیدگی می‌باشد. در جمله‌های غیرمستقیم تقدیم متمم، فعل، مفعول و مسند به ترتیب بسامد بیشتری دارند و قابل تحلیل و بررسی هستند. تقدیم فعل فضای حماسی منظومه را تقویت می‌کند و با توجه به کاربرد بحر متقارب و اهمیت متمم در وصف صحنه‌ها، ۴۹۸ بیت با حرف اضافه و متمم آغاز می‌شود. جمله‌های مجهول حداقل جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. ۱۰/۲۵ درصد از جمله‌ها مجهول هستند. بسامد کم جمله‌های مجهول و مرکب و تکرار الگوی «مسندالیه + مفعول رائی + فعل» و «مسندالیه + فعل تام لازم» در این منظومه، الگوی مناسبی برای ساخت جمله‌های ساده و انتقال سریع مفاهیم معلوم می‌دارد.

پی نوشت:

۱ - همه بیت‌های شاهد برگرفته از کتاب بانو گشسب‌نامه (۱۳۹۳) با مقدمه و تصحیح و توضیح از روح‌انگیز کراچی، تهران انتشارات امیرکبیر چاپ دوم است و عدد داخل پرانتز، نشانگر شماره آن بیت است.

منابع و مأخذ

- ۱ - باطنی محمدرضا، (۱۳۷۰)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم
- ۲ - بانو گشسب‌نامه، (۱۳۹۳)، مقدمه تصحیح و توضیح کراچی. روح انگیز، پژوهش، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۳ - شفیعی کدکنی محمدرضا، (۱۳۸۵)، صورخیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دهم
- ۴ - شمیسا سیروس، (۱۳۷۵)، سبک‌شناسی شعر، تهران، انتشارات فردوس، چاپ دوم
- ۵ - فرشیدورد خسرو، (۱۳۷۸)، «جمله و تحول آن در زبان فارسی»، تهران انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم